



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۲/۱۱

پوهاند بشیر احمد زکریا

ترجمه: رحمت آریا

تصادم دیموکراسی ها و اتوکراسیها

(قسمت سی و چهارم و آخر)

دوم : فلسفه جهان گرایی و آینده

الف : جهان گرایی و صلح به عنوان یک فلسفه

ضرورتی برای آینده زندگی در سیاره زمین؟

ببخشید که تکرار می کنم، اجازه بدهید توضیح کنم. در این سه سال پسین، در جهان انتزاعی ذهنم به دنبال این نظر بودم که در عقب «ایده» یا «مفهوم دیموکراسی» چه چیزی نهفته است؟

سی و چهار دیالوگ «دیالکتیک» افلاطون نشان می دهد که همین، طریقه جست و جوی روش علمی فلسفه او بوده است. افلاطون تأکید می کند یافتن ماهیت و هسته چیز برای کشف شکل و کارکرد واقعی آنها، برای درک بهتر از موجودیت و بکار انداختن آن ضرور است. من حدس میزنم که افلاطون با این روش خود معتقد بود که ممکن روزی بشریت بتواند مفهوم دیموکراسی را با ایجاد یک مدل حکومت داری پاریدار که بطور ایده آل توسط مردم به نفع نوع بشر اداره می شود، به واقعیت تبدیل کند. چنین پروسه تفکر یا پروسس ذهنی را می توان تعمق متمرکز یا مدیتیشن متمرکز [1] ویا عصف ذهنی یا توفان فکری [2] نامید. الکس فاکنی آزبورن [3] اصطلاح عصف فکری را در کتابش «چگونه فکر کنیم» چاپ سال ۱۹۴۲ و باز در سال ۱۹۵۳ در کتابش «قوه تخیل عملی» [4] مروج ساخت، موصوف می گوید که توفان فکری تکنیک گروهی است. پیدایش توفان فکری الکس فاکنی ناشی از ناامیدی های کاری و باری او بود، زیرا موصوف قادر به توسعه ایده های خلاقانه بصورت فردی برای کمپاین های تبلیغاتی خود نبود. میتود او را می توان چنین خلاصه

1 - focused-meditation

2 - brain storming

3 - Alex Faickney Osborn

4 - Applied Imagination

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

کرد؛ الف) کاهش خویشتن داری های اجتماعی در بین اعضای گروه؛ ب) تحریک نظریه پردازی و ج) افزایش خلاقیت گروه.

الکس فاکنی بزود به میزبانی جلسات تفکرگروپی، به بهبود قابل توجه در کیفیت و کمیت ایده های تولید شده توسط کارمندان خود پی برد. به همین اساس بود که قدرت اعلانات نه تنها برای کاروبارها شناخته شد بلکه به تدریج مبدل به قدرت هشدار دهنده کمپاین های تبلیغاتی در تغییر چشم اندازهای سیاسی، فرهنگی و حتی اخلاقی شد! این ما را از روان شناسی توده ها به فرد باز می گرداند که مفهوم دیموکراسی ناشی از نگرانی های دو فرد برای امنیت خودشان، امنیت فرزندان شان، آزادی آنها، دسترسی برابر آنها به همه نیازهای اساسی زندگی است. به همین دلیل است که سقراط و افلاطون به عنوان پروردگان «دایه های ایده ها»، بسیار عمیق تر به منبع «ایده» یا ایده پردازی «تشکیل ایده» پرداختند. افلاطون در جست و جوی جهانی از اشیاء با اشکال و کارکردهای ایده آل شان بود که معتقد بود فراتر از فضا و زمان در یک جهان انتزاعی «خارج از جهان چهار بعدی ما - م» وجود دارد. افلاطون معتقد بود که دنیای حواس ما که در آن زندگی می کنیم سایه ای از ایده آل است که این نظر او پسانها به عنوان یک پدیده تبدیل به بحث های پدیدار شناسی ویلهلم هگل و مارتین هایدگر در قرن نوزدهم شد. لطفاً بامن حوصله داشته باشید، این تکرارها انعکاسی از «ایده» من مانند شدیدترین درد ذاتی زایمان است که می خواهم با شما در میان بگذارم که چگونه «ایده» "زندگی چیست" در شکل اصلی خود، و چگونه مفهوم دیموکراسی موازی با تکامل هدف عمده زندگی شکل گرفت!

در طول تاریخ غیب گویان و حکیمان برای هموعان خود به دنبال فلسفه زندگی، یافتن راه طبیعی یا شیوه ارگانیکی برای زندگی مصوون و رضایت بخش بوده اند. در قرن شانزدهم «اگوستینو ستیوکو [5]» در سال ۱۵۴۰ (*De perenni philosophy libri*) را نوشت، و «فیلسوف لیبنیس» [6] (۱۶۴۶ - ۱۷۱۶) (*Philosophy Perennis*) را نوشت که فلسفه های همیشگی و جاویدان اند.

«آلدوس هکسلی» [7]، نویسنده کتاب کلاسیک قرن بیستم «Brave New World» و متعاقباً در سال ۱۹۴۴ کتاب «فلسفه دائمی» را نوشت که نیویورک تایمز آنرا «شاهکار گلچین» [8] ها نامید. [9] به گفته «آلدوس هکسلی»، «فلسفه دائمی» میتافیزیکی است که «واقعیت الهی» را در جهان اشیاء، زندگی و ذهن به رسمیت می شناسد؛ روان شناسی چیزی را در روح، چیزی شبیه و حتی یکسان به «واقعیت الهی» می یابد؛ اخلاقیات غایت نهایی انسان را در شناخت درونی و شالوده عروج همه هستی قرار میدهد، چیزی که جاویدانی و جهانی است. «هکسلی» می افزاید: «ولی در شرایط موجود، کوچکترین چانسی وجود ندارد که هیچ یکی از ادیان سنتی مقبولیت جهانی پیدا کند.» بنابر این، او با نشان دادن اینکه همه ادیان دارای بالاترین عامل مشترک همان نظام میتافیزیکی هستند که پیامبران، اولیا و حکما آنرا موعظه کرده اند، از «فلسفه دائمی» حمایت کرد. وی به شدت احساس میکرد همچنانیکه که گل های همیشه بهار برای همه فصول

5 - Augustino Steuco

6 - Philosophier Leibnitz

7 - Aldous Huxley

8 - The Masterpiece of Anthologies

9 - Huxley, Aldous. Perennial Philosophy

خوب اند، فلسفه دائمی نیز می تواند برای همه ملت ها خوب باشد. برای روشن شدن موضوع، ما آنرا "جهان گرایی دائمی" [10] می نامیم. برای مردم کاملاً ممکن است که یهودی، عیسوی، هندو، بودایی، کنفوسیونیست یا مسلمان خوب و غیره و غیره باقی بمانند که به راحتی می توانند اندکی فراتر از آداب و سنن فرا بروند و به عنوان انسان خردمند جهان علم یا انسان فروتن جهان خلقت با صرف نظر از نژاد یا دینی که خدا خلق کرده است متحد شوند که ارسطو آنرا «علت اول» نامیده است. تنها کاری که آنها باید انجام دهند این است که بین خود بر سر این مفهوم بسیار ساده و مشترک «جهان شمول گرایی» توافق کنند که می توانند همه ادیان مذهبی را با اصول جهانی خود مانند احترام به زندگی انسان، کرامت انسانی، همدلی، شفقت، رحمت، بخشش، عشق و محبت انسانی، فعل مختار، آزادی و غیره با هم پیوند دهند، (لطفاً به مقالات جهان گرایی دائمی در ذیل مراجعه کنید.) این قلم در کتاب خود بنام: «یک خانه، یک خانواده، یک آینده» (۲۰۱۰)، این فلسفه خیلی مشابه را با توسعه بیشتر به عنوان «فلسفه جهانی» یا «جهان گرایی» ارائه کرده است. [11]

ب: حمایت از فلسفه جهان گرایی

می خواهم برخی از آثار مرتبط «اسوالد اسپنگلر» [12] (۱۸۸۰ - ۱۹۳۶) را که به عنوان یکی از تأثیر گذار ترین فیلسوفان و نام آشنای قرن بیستم شناخته میشود، مورد توجه شما قرار دهم. من با دیدگاه بدبینانه او در مورد سقوط تمدن غرب موافق نیستم. اما به عنوان یک مؤرخ و فیلسوف پرحرارت جرمنی چیزی پیشنهاد کرده که خلاف آنچه است که این قلم در مورد آن می نویسد (با حروف تکیه نشان داده شده) و آنرا برای تأیید دیدگاه خوشبینانه از تکامل بشری ضروری دیدم. شهرت «اسپنگلر» با انتشار جلد اول اثر بزرگش «زوال غرب» در سال ۱۹۱۸ آغاز شد و سپس مجلد دوم آن در سال ۱۹۲۲ منتشر شد که تمام تاریخ ثبت شده جهان را پوشش می داد. [13] ولی کتاب آخر او به عنوان «انسان و تکنیک: سهمی در فلسفه زندگی» [14] نشان می دهد که مفهوم جبر حیوانی او از تکنیک (تکنالوژی) که تمدن بشری را در نتیجه «اراده به قدرت» حیوانی غریزی حیوانی نابود می کند و به وجود بشریت، پایان می دهد برای من هزلیات بیش نیست! اما، عنوان فرعی کتاب با ندای «سهمی در فلسفه زندگی» خوش بینی را نشان میدهد. ولی پس از مطالعه کتاب، از دیدگاه ایده آلیستی تکاملی او متعجب شدم که با به اصطلاح «قاطعیت واقع بینانه» وی در مورد نابودی تمدن بشری در تضاد بود. [15] «اسپنگلر» پیشبینی کرد که انسان غربی در نهایت از سبک زندگی مصنوعی خود خسته میشود و شروع به جستجوی فلسفه ای طبیعی و ارگانیکی تر از زندگی می کند! این گیج کننده است که «اسپنگلر» که عمیقاً از «مفهوم تراژیدی به مثابه پرده برداری تدریجی سرنوشت بی رحمانه، بی تفاوت نسبت به رنج افراد» از «نیچه» الهام گرفته بود باز هم به قول (لارس اچ. هولم [16]) به «اندیشه های الهام گرفته از نیچه در یونان در مورد وضعیت انسان» باورمند بود، و باید اصرار «اسپنگلر» را در نظر گرفت که انسان واقعاً فاعل مختار است، اما در واقع چاره ای

10 - 'Perennial Universalism'

11 - Zikria, B.A. One Home, One Family, One Future. AuthorHouse Pub. Bloomington, ID. 2010.

12 - Oswald Spengler

13 - Spengler, Oswald. *The Decline of the West: Vol. 1 1918, Vol. 2, 2022*

14 - Man and Technics: A Contribution to A Philosophy of Life

15 - Spengler, Oswald. *Man and Technics: A Contribution to A Philosophy of Life*. Arktos Media Ltd. 1931. 2015.

16 - Lars H. Holm

نیست، زیرا جایگزین به تراژیدی به اوج میرسد! [17] «سپنگلر» می گوید، «تکنیک را نمی توان بر حسب ابزار فهمید.» وی همچنان می افزاید، «تخنیک، تاکتیک تمام زندگیست» شکل یا پروسه درونی که در آن مبارزه به کار میرود که با خود زندگی یکسان است.

این نظر سپنگلر چیزی بیش از آن نیست که تیوری تکاملی «چارلس داروین» آنرا در سال ۱۸۵۹ بر ملا ساخت. «سپنگلر» در کتاب خود که در سال ۱۹۳۶ منتشر شده تنها یک بار نام «داروین» را به دلیل کاهش درجه اسم او ذکر می کند. «بنابر این نبرد طبیعت درون با طبیعت بدون، نه آنطوری که «شوینهار» آنرا می دید و «داروین» آنرا «مبارزه برای زندگی» قلمداد میکرد بلکه یک معنای بزرگی است که زندگی را والامقام میسازد «*amor fati*» (در لاتین به معنی عشق به سرنوشت یا مفهوم [تکرار ابدی] از «فردریک نچیه») (تبصره نویسنده). و انسان به این نوع تعلق دارد.» نویسنده خود را مکلف میداند که بار دیگر از «سپنگلر» نقل قول کند که انگیزه عمیق خود را القاء می کند زمانیکه می گوید: «در اوج رشد انسانی، نژاد اصیل انسان - *der Rassemensch* گونه ای است که در تمام تمدن های برتر " در میان آسیایی ها، آفریقایی ها، امریکایی های ماقبل کولمبیایی " وجود داشته است، یهودیان و اعراب، هم همینطور.» عدم حساسیت استعمارگران اروپایی به درد و رنج بومیان و مفهوم *Ausheutung* «استثمار» بخش مهمی از فلسفه او بود، وی به این آرزو بود که به عنوان شکاک و بی طرف ارزشمند تلقی شود. همچنین این با تیزس او هماهنگی کامل دارد که انسان در ذات معنوی خود یک شکارچی است - «یک *Rassemensch* برتر.» نوشتن در مورد فعل مختار «این همان چیزی است که رهایی او را از اجبار جنس یا نوع تشکیل می دهد، پدیده ای منحصر به فرد در تاریخ تمام زندگی در این سیاره. با همین انسان به وجود می آید. وی زندگی فعال خود را تا حد زیادی فارغ از وضعیت بدن خود، و فارغ از غرایز حیوانی خود ساخته است. [تکیه از نویسنده] [18]

در مطالعه گسترده او در مورد تکامل تاریخ بشر در برخی از عناصر، یکعه از جرقه های الهامات شهودی را (که با خط برجسته مشخص شده اند) می یابیم که از مفاهیم بنیادی فلسفه جهان شمول گرایي حمایت می کند!

خلاصه

آنچه در این کتاب بحث شد بطور خلص عبارتند از: (۱) تأریخچه تکامل دیموکراسی، (۲) چرا دیموکراسی لیبرال بهترین حکومت برای یک جامعه بشری است، (۳) ظهور نیروی حیاتی اسرار آمیز یا انرژی حیات در سیاره زمین، (۴) تکامل زندگی چگونه ابتداء با آزادی ذاتی، برای حفظ خود برای تحرک بیشتر برای دفاع ارگانیزم از حیات خود، با انرژی از غذا و آب حرکت کرد، (۵) شناخت توانایی ذاتی نیروی حیات در انتخاب که آنرا قادر می سازد تا از قلمرو خود، و تولید مثل و مرمت خود و غیره دفاع کند، (۶) الف: تلاش برای هستی، ب: بقای مناسب ترین، ج: انتخاب طبیعی، (۷) انتخاب کار آمد ترین و قدرتمند ترین حیوان برای حکومت بر جنگل (انتخاب توسط طبیعت)، (۸) یک اتفاق اسرار آمیز دو باره

17 - Ed. Forgas, p. Joseph, Grand, D. Wm, Fiedler, Klaus. *The Psychology of Populism* (Sydney Symposium of Social Psychology) Rutledge Taylor & Francis Group. ISBN 978036753817. 2021.

18 - Spengler, O. Man and Technics. Ditto

رخ داد که «انسان خردمند یا هومو سی پین» با فعل مختار ظهور کرد و با شناخت برتر و قدرت مغزی بیشتر از وضعیت حیوانی که توسط قوانین طبیعت کنترل می شد از طریق غرایز حیوانی و قوانین جنگل فراتر رفت، ۹) «انسان خردمند یا هومو سی پین» با فاعل مختار بودنش، کار آمدترین و قدرتمندترین انسان شد، مفهوم اخلاق را توسعه داد و شروع به ترک حیوانیت در جنگل و صحرا کرد و به شهرهای کلان نقل مکان کرد، ۱۰) و انسان با منطق برتر توانست همکاری را به جای خشونت در رقابت انتخاب کند؛ صلح را به جای جنگ های مداوم برای بقا انتخاب کرد «داروین»؛ ۱۱) از طریق فعل مختار، با منطق و حس شعوری بهترین حکومت را به عنوان یک حکومت مردم سالار با صلح در جامعه و سایر ملل ایجاد کرد، مانند جامعه ملل، که طی یک دهه با اعلامیه جهانی حقوق بشر به «سازمان ملل متحد تبدیل شد [19] و مجمع عمومی مؤثر دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ «۳۰» «حقوق و آزادی های» را اعلام کرد که به هر انسانی در این سیاره زمین تعلق دارد.» از میان ۱۹۲ کشور عضو کنونی سازمان ملل متحد، ۱۹۲ کشور در توافق با اعلامیه جهانی حقوق بشر در پای اعلامیه امضاء کرده اند. ما امیدواریم که روزی همه مردم، همه جوامع، همه ملت ها شیوه زندگی ارگانیک طبیعی داشته باشند، و فلسفه ای از زندگی که با تکامل خود زندگی سازگار باشد که مقبولیت جهانی پیدا کند.

ج: اصول فلسفه جهانی / جهان گرایی جهان شمول

- ۱: برای یک انسان همه اشکال زندگی درست مانند زندگی سزاوار احترام اند.
- ۲: همه انسان ها در خلقت برابر آفریده شده اند تا با انتخاب آزاد به دنبال خوشبختی و مسؤولیت پذیری در قبال دیگران باشند.
- ۳: همه فرهنگ ها، ادیان، مذاهب و سنن نزد پیروان خود دارای اعتبار هستند که باید مورد احترام قرار گیرند و چنان مورد احترام قرار گیرند که به باور های خود احترام دارند.
- ۴: انسان ها باید بر اساس قوانین جهانی طبیعت عمل کنند، مانند نیکی کردن با دیگران؛ همانطوریکه می خواهید آنها با شما نیکی کنند که یک قانون طبیعی برای رفتار انسان است..
- ۵: حلقه خبیثه شرارت را چنان بشکنید که کینه توزی نه کنید.
- ۶: هیچ دین و یا آئینی را نمی توان با زور بالای شخصی یا مردمی تحمیل کرد.
- ۷: خشونت به منظور تغییرات ایدئولوژیکی، اقتصادی یا فرهنگی غیر قابل قبول است.
- ۸: همه ملت ها و انسان ها از همان حقوق و آزادی های مدنی یکسانی برخوردار اند که در منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه حقوق مسجل اند.

¹⁹ - UDHR-December 10, 1948

د پانو شمیره: له 5 تر8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

- ۹: مردم باید فرصت های برابر برای توسعه پوتنسیل های خود و برای بهبود معیار های زندگی خود داشته باشند.
- ۱۰: تکامل جوامع باید به سمت مساوات طلبی، عدالت اجتماعی و برابر اقتصادی باشد و باید به شدت پرورش داده شود.
- ۱۱: معنویت گرایی و ساینس دو حوزه بزرگ انکشاف و پیشرفت انسان اند؛ ایندو حوزه باید پرورش یابند مگر نه به قیمت یک دیگر.
- ۱۲: آموزش و خلاقیت همه انسان ها باید در سطح جهانی به شدت افزایش یابد. خلاقیت بزرگترین ثروت بشریت است.
- ۱۳: در برابر فقر، بیماری و استبداد باید از طریق ابزار مدنی توسط همه مردان و زنان دارای استطاعت، شاگردان، محصلین، مؤسسات، سازمان های بشر دوستانه، مؤسسات غیر دولتی، جوامع، دولت های جهان و نیکو کاران بشردوست مبارزه شود.
- ۱۴: قدردانی از علم و هنر باید توسط همه جوامع ترویج شود.
- ۱۵: سیاره زمین خانه بزرگ ماست.
- ۱۶: انسانیت خانواده بزرگ ماست.
- ۱۷: ما باید از سیاره زمین مراقبت کنیم، زیرا در نهایت همه ما و نسل های آینده ما با افزایش مصرف، اثرات گازات گلخانه ای، کاهش منابع، افزایش نفوس، آلودگی محیط و تغییرات اقلیم جهانی روبرو خواهیم شد.
- ۱۸: ما نباید بنام شرقی یا غربی همذات پنداری کنیم، بلکه باید با تمدن واحد انسانی همذات پنداری کنیم.
- ۱۹: تاریخ به اثبات رسانده که سیاسی ساختن و تبلیغ ادیان مفید نیست و اغلب باعث تفرقه میشود و درگیری ایجاد می کند.
- ۲۰: هویت انسانی با هیچ فرهنگ یا دینی نباید مورد تهدید یا ریشه کنی قرار گیرد. ما باید هویت شخصی و اجتماعی یکدیگر را در پرتو مدارا، قدردانی و احترام بپذیریم.
- ۲۱: هر نوع آزادی و حریت باید متعادل و مسؤولانه باشد.
- ۲۲: تمام فعالیت های که تعصب، نفرت و خشونت را در میان مردم و ملت ها ترویج می کنند باید توسط هر شخص، هر سازمان، هر دولت و سازمان ملل متحد محکوم شود.
- ۲۳: آزادی ایکه به دیگران صدمه می رساند، سو استفاده از آزادی است.
- ۲۴: یونیورسیالیزم دائمی، جهان گرایی جهانی نه انترناسیونالیزم است و نه فرهنگ یا جهانی شدن اقتصادی است. این نیروی محرکه جهانی زندگی است.

۲۵: جهان گرایی دائمی نه یک دین است و نه یک جزم یا دگما. این یک دیدگاه در حال تکامل است که همه مردم جهان را با آگاهی بیشتر از خود، دیگران و هویت انسانی بزرگتر شان متحد می سازد. جهان گرایی دائمی می تواند فلسفه ای جهانی باشد که غنای فراوان در تنوع فرهنگ ها و عقاید می یابد و همه جوامع را قادر می سازد تا بطور مؤثر تر و کارآمد تر پیشرفت کنند. در قرن بیست و یکم است که این دیدگاه بیک ضرورت تاریخی برای بقاء و پیشرفت تبدیل شده است.

در خواست از مردان و زنان بشر دوست جهان تا بر حسب توانایی و انتخاب شان در این تلاش سهم گیرند

نیاز مبرم به مشارکت بشر دوستان بزرگ امریکایی و بین المللی، سازمانها، نهاد ها و نیکوکاران بزرگی وجود دارد تا در این کار خیر به بشریت سهم گیرند مانند:

بیل گیتس، ملیندا فرنچ گیتس، وارن بفت، اندی جیسی از امازون، مایکل بلومبرگ، جورج سورس، جستی تاتا، عرفا جاوید، مارک زاکربرگ، ایلی براد، پبیر امید یار، چک فینی، لی کا شینگ، جیورج قیصر، اوپرا وینفری، هیوارد هیو اورگ، بارون هیلتن، جولیان رابرتسن، گوردن و خانواده بتی مورد و جان د. آرنولد و غیره

پ
پ
ن

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ



تصویر نویسنده



آرشيف: مقالات يوهاند بشير احمد زكريا

د پانو شمېره: له 8 تر 8
افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ